پاورقی

۱۲۴ خاطرات ۴۵۳ روز حضور در کاخ سفید

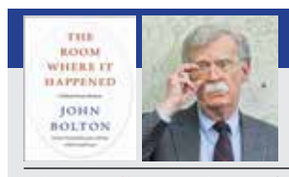

اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

توافقنامه‌هایی که باید تجدیدنظر می‌شدند

بالا و پایین کردن این موضوع چند دقیقه‌ای به طول انجامید و ترامپ نهایتاً گفت که با نظر من موافق است ولی با وجود این مهلت دوماهه‌ای را که خانم مرکل درخواست کرده است، اجابت می‌کند. به این ترتیب ما عملاً در زمان بسیار طولانی‌تری از پیمان «آی ان اف» خارج می‌شدیم. من و پمپئو تأکید کردیم که امریکا دوماه بیشتر صبر نخواهد کرد و مرکل هم موافقت خود را اعلام کرد. من سپس تأکید کردم که پس از سپری شدن این مهلت دوماهه، آلمان‌ها باید به صراحت از تصمیم ما «حمایت» کنند و از عبارات دیگری نظیر «ما تصمیم امریکا را درک می‌کنیم و می‌فهمیم» اجتناب کنند (کاری که پیشتر هِکر مشاور امنیت ملی آنها با من کرده بود). مرکل با این خواسته ما هم موافقت کرد. به نظرم این تنها کاری بود که در آن شرایط می‌توانستم انجام دهم اما دستاورد ما در این دیدار در مقایسه با رنج و عذاب بالقوه‌ای که باید در حرکت آهسته به سوی خروج از «آی ان اف» تحمل می‌کردیم، ارزش چندانی نداشت (خروج آهسته از «آی ان اف» مثل کندن آهسته چسب زخم از روی یک جراحت، دردناک بود). ما درباره نحوه توجیه متحدان‌مان در ناتو بحث کردیم و ترامپ پیشنهاد کرد که اعلام کند: «به درخواست آلمان و برخی کشورهای دیگر ما ۶۰ روز دیگر به پیمان نیروهای هسته‌ای میانبرد (آی ان اف) خاتمه می‌دهیم.» آنچه باعث تعجب من شد این بود که ترامپ هنوز مهلت قانونی ۱۸۰ روزه را برای آغاز شمارش معکوس خروج درک نمی‌کرد ولی دیگر برای طرح چنین بحث‌هایی بسیار دیر شده بود. اعلان قصد ما برای خروج از «آی ان اف» روز چهارم دسامبر به‌خوبی پیش رفت و با توجه به مهلت اضافه‌ای که ترامپ به درخواست مرکل داده بود ما نهایتاً روز اول فوریه ۲۰۱۹ به طور رسمی فرآیند خروج را کلید زدیم. روس‌ها نیز بلافاصله تعلیق هر نوع مذاکره تازه درباره کنترل تسلیحات را اعلام کردند که درواقع یک منفعت حاشیه‌ای برای ما به حساب می‌آمد. یکی از متخصصان ارشد امریکا در حوزه کنترل تسلیحات از من به‌عنوان «قاتل توافقنامه‌های هسته‌ای» یاد کرده بود که البته من این توصیف (انتقادی) را به‌عنوان تعریف از خودم تلقی کردم. شمارش معکوس آغاز شد و ماه‌ها پشت سر هم سپری می‌شدند، البته برخی اعتراضات و جنجال‌ها هم درباره خروج امریکا از پیمان «آی ان اف» مطرح می‌شد. بالاخره در نخستین دقایق بامداد روز جمعه دوم ماه اوت امریکا از این پیمان رهایی یافت؛ چه روز باشکوهی!

معاهدات دوجانبه و چندجانبه دیگری هم وجود داشت که امریکا و روسیه در آنها عضو بودند و باید مورد تجدیدنظر قرار می‌گرفتند، حالا بگذریم از موافقتنامه‌های متعددی که امریکا به‌صورت غیرعاقلانه با دیگران امضا کرده بود. به‌عنوان نمونه ترامپ با علاقه موافقت کرد که از پیمان تجارت اسلحه که در دوره اوباما امضا شده بود، خارج شود. این معاهده‌ای بود که هرگز توسط مجلس سنا تأیید نشده بود ولی گروه‌های مخالف کنترل اسلحه در امریکا مدت‌ها بود که با آن مخالفت می‌کردند. پیشینه این مخالفت‌ها به دوره ریاست جمهوری جورج بوش (پسر) و زمانی که من هم در آن دولت معاون وزیر خارجه بودم، برمی‌گشت. ترامپ در روز ۲۶ آوریل ۲۰۱۹ و هنگامی که در گردهمایی سالانه «انجمن ملی اسلحه» در شهر ایندیانا پولیس سخنرانی می‌کرد در جمع طرفداران آزادی حمل سلاح، خروج امریکا را از پیمان تجارت اسلحه اعلام کرد و حاضران ایستاده او را تشویق کردند. ترامپ همچنین امریکا را از توافقنامه آب و هوایی پاریس بیرون کشید، حرکتی که من هم از آن حمایت می‌کردم. همه تأثیری که توافقنامه پاریس در دنیای واقعی داشت در حد دعاکردن با تسبیح و روشن کردن شمع نذری در کلیسا به امید کاهش آلودگی هوا بود (احتمالاً در آینده نزدیک کسی هم پیدا می‌شود که به شما بگوید دیگر شمع هم روشن نکنید چون سهم شما در تولید گاز کربن و آلوده کردن محیط زیست بالا رفته است). این توافقنامه فقط از کشورهای امضاکننده می‌خواهد که اهداف ملی خود را در زمینه کاهش آلودگی هوا تعیین کنند، اما حتی مشخص نمی‌کند این اهداف باید چه باشند یا هیچ گونه ضمانت اجرایی برای تحقق این اهداف ملی ندارد. این در واقع الهیات و دعا است که خود را به‌عنوان برنامه و سیاست جا زده است. پدیده‌ای که بشدت در امور بین‌الملل غالب بوده است.

توافقنامه‌ها و معاهدات دیگری که امریکا باید همه آنها را دور بریزد، فهرست بلندبالایی را شامل می‌شود؛ از جمله «قانون کنوانسیون دریاها» و دو توافقنامه دیگر که امریکا باید فوراً از شر آنها خلاص شود. «معاهده آسمان‌های باز» که سال ۱۹۹۲ امضا و از سال ۲۰۰۲ عملیاتی شده از جمله این توافقنامه‌ها است. از لحاظ تئوریک این معاهده به بیش از ۳۰ کشور عضو خود اجازه می‌دهد هواپیماهای غیرمسلح شناسایی را بر فراز آسمان اعضا به پرواز درآورند، موضوعی که از همان ابتدا جنجالی و اختلاف برانگیز بوده است. در طول این سال‌ها ثابت شده که این معاهده دقیقاً به یک امتیاز و مزیت برای روسیه تبدیل شده است. این معاهده اساساً معاهده‌ای تاریخ مصرف گذشته و بی‌ارزش برای امریکا است، چرا که ما دیگر نیازی به عبور از فضای روسیه نداریم. خروج از این معاهده کاملاً در راستای منافع ملی ما خواهد بود و مثلاً مانع از این خواهد شد که روسیه بتواند هواپیماهای خود را در ارتفاع پایین بر فراز واشنگتن و سایر مناطق حساس امریکا به پرواز درآورد. وقتی که من استعفا دادم، خروج از معاهده آسمان‌های باز در دست بررسی بود و بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای که بعداً دریافت کردم تلاش‌ها برای خروج از آن ادامه دارد و من هنوز هم از این اقدام حمایت می‌کنم.

دورنما

کامرسانت(روسیه):

با شکست «ترامپ» در انتخابات ۲۰۲۰، دیدگاه‌های وزیر خارجه دولت جدید در سیاستگذاری واشنگتن برای ارتباط با روسیه حائز اهمیت بسیار است. اما معرفی «بلینکن» گزینه منتخب «بایدن» برای وزارت خارجه که پیش‌تر اظهارات تندی علیه «پوتین» داشت، آینده روابط دو کشور را همچنان در ابهام قرار داده است.

چاینا دیلی (چین):

در حالی که چین همواره تحت اتهامات حملات سایبری بوده، شی جین پینگ در سخنانی ضمن استقبال از نقش مهم اینترنت در بهبود اقتصادی جهان، حمایت خود را از مبارزه با تهدیدهای سایبری و ایجاد امنیت در فضای مجازی اعلام کرد و وعده داد با همه کشورها دراین زمینه همکاری خواهد کرد.

ایندیپندنت(انگلیس):

«بوریس جانسون» درباره زمستان سخت پیش روی کشورش با توجه به شیوع کرونا و نبود واکسن هشدار داد و از ایجاد محدودیت‌های جدید تا دست‌کم سه ماه پس از سال میلادی جدید خبر داد. این در حالی است که او پیش‌تر توزیع چندین هزار دوز واکسن در کریسمس را تأیید کرده بود.

ترامپ موافقت خود برای شروع روند انتقال قدرت را اعلام کرد

مأموریت سخت کابینه دیپلمات‌ها، زنان و مهاجرین

زهره صفاری/ بیش از ۳۰ دادخواست شکست خورده و معلق مانده در رد صحت انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰، تنها گوشه‌ای از تلاش «دونالد ترامپ» و تیمش برای ماندن در کاخ سفید بود اما سرانجام اوضاع بر مدار «جو بایدن» چرخید و رئیس جمهوری امریکا، به ناچار چراغ سبز برای فرآیند انتقال قدرت را نشان داد.

به‌گزارش «اسپوتنیک» همان‌طور که انتظار می‌رفت «دونالد ترامپ» با توئیتی که کلماتش از تداوم تلاش‌ها اما مضمونش پذیرش شکست بود، تصمیم سختش را از پشت رایانه شخصی‌اش اعلام کرد. او در این توئیت بر تداوم تلاش‌های تیم قضایی‌اش برای اثبات تقلب در انتخابات تأکید کرد و رقابت امسال را «فاسدترین انتخابات تاریخ سیاسی امریکا» خواند. رئیس جمهوری چهل‌وپنجم امریکا تأکید کرد که او هرگز شکست را نمی‌پذیرد و با به‌کار بردن عباراتی مانند «انتخابات جعلی و حکومتی» آخرین تقلایش برای بی‌اعتبار کردن رقیب پیروز را به‌کار برد و شکست خود را به دستکاری سیستم شمارش آرا توسط دموکرات‌ها نسبت داد.

این رجزخوانی‌ها و دست و پا زدن‌های بی‌هدف «ترامپ» در واپسین ساعات روز دوشنبه پس از تأیید انتخابات توسط «امیلی مورفی» رئیس اداره خدمات عمومی امریکا و مجوز او برای آغاز فرآیند انتقال قدرت صورت گرفت. «ترامپ» درباره این تصمیم مقام گماشته‌اش در این اداره بازهم در توئیتی نوشت: «این پرونده با قدرت پیگیری می‌شود. ما نبردمان را ادامه می‌دهیم و مطمئنم پیروز می‌شویم. با وجود این بیانیه، به گفته تحلیلگران «نیویورک تایمز» آنچه «مورفی» و «ترامپ» را مجبور به پذیرش این فرآیند کرد، فشار مقامات و تجار امریکایی و حتی حامیان جمهوریخواه‌شان بود و این دستور پس از تأیید پیروزی بایدن در جورجیا و همچنین رد درخواست تیم ترامپ برای باطل کردن آرای پستی در دادگاه عالی پنسیلوانیا صادر شد.

■ رونمایی از شگفتانه‌ها در دفتر رئیس‌جمهوری‌منتخب

آنطور که «ران کلین» شامگاه یکشنبه با وجود نامشخص بودن روند انتقال قدرت گفته بود، «جو بایدن» قرار بود صبح دیروز از نام مهره‌های کلیدی کابینه‌اش رونمایی کند. اما با توئیتی که واپسین ساعات دوشنبه ترامپ داشت و مجوزی که از سوی اداره خدمات عمومی امریکا به دفتر بایدن رسید، دموکرات‌ها در نخستین گام با افزودن عبارت مخفف gov (به معنای حکومت) به آدرس سایت انتقال قدرت بایدن، حضور دولت جدید را رسماً اعلام کردند. به این ترتیب «بایدن» و تیمش در جریان آماده‌سازی برای ۲۰ ژانویه و آغاز به کار رسمی در کاخ سفید، از آغازین ساعات دیروز علاوه بر در اختیار گرفتن بخشی از فضای وزارتخانه‌ها، منابع و بودجه دولت فدرال برای استخدام کارکنان مورد نظر خود، تعاملات با دولت ترامپ بر سر مسائل مختلف را که مهم‌ترین آنها شیوع کرونا است کلید زدند. «کلین» همچنین پیش‌تر اعلام کرده بود کابینه بایدن با داشتن دست‌کم ۱۴ نامزد از میان اقلیت‌ها و زنان رکوردی جدید در تاریخ امریکا ثبت خواهد کرد. این اظهارات با اعلام نامزدی دو کاندیدای زن برای پست‌های کلیدی وزارت خزانه‌داری و اطلاعات ملی امریکا و همچنین تعیین دو گزینه رنگین پوست و مهاجر برای نمایندگی در سازمان ملل و رئیس امنیت داخلی تا حدودی عزم «بایدن» برای تبیین شعار یکپارچه کردن امریکا را به اثبات رساند.

«ژانت یلن»، اقتصاددان کهنه کار امریکا و یکی از رؤسای سابق بانک مرکزی این کشور برای تصدی پست وزارت خزانه‌داری از سوی بایدن مدنظر قرار دارد. انتخابی که به گفته تحلیلگران در صورتی که از سوی سنا مورد تأیید قرار گیرد، «یلن» را پس از ۲۳۱ سال مردسالاری در اقتصاد به‌عنوان نخستین وزیر زن در این وزارتخانه وارد خواهد کرد. اما از آنجا که وضعیت نابسامان اقتصادی ناشی از شیوع کرونا و بیکاری و مشکلات شدید اقتصادی بر امریکا سایه افکنده، مأموریت او بسیار دشوار پیش‌بینی شده است. «یلن» که در سال ۲۰۱۸ از سوی «دونالد ترامپ» کنار گذاشته شد، با وجود گمانه زنی‌ها درباره انتخابش در کابینه بایدن، تاکنون اظهارنظری نکرده اما «هنری‌ام پولسن»، وزیر خزانه‌داری «بوش» پسر نیز در تحسین «یلن» گفت: «مأموریت سختی پیش روی اوست اما او تجربه، مهارت، کارایی و روابط خوبی با احزاب مختلف کنگره دارد و موفق خواهد شد.» ناظران بر این باورند با وجود رزومه خوب گزینه‌های دیگر این پست، پیش‌بینی می‌شود سنا به «یلن» رأی مثبت بدهد. پس از «یلن»، انتخاب «آوریل هینز» معاون سابق رئیس سیا و مشاور سابق امنیت ملی، برای ریاست سازمان اطلاعات ملی این کشور، اگر تأیید سنا را بگیرد برای نخستین بار در تاریخ امریکا بالاترین مقام در حوزه دفاعی امریکا را به یک زن خواهد رساند.

«بایدن» برای سمت رئیس امنیت داخلی نیز یک مهاجر کوبایی را برگزیده است. «آلخاندرو مایورکاس» که در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ معاون رئیس امنیت داخلی امریکا بوده قرار است کرسی ریاست این سازمان را برعهده گرفته و سیاست‌های مهاجرتی امریکا را نیز مدیریت کند. این انتخاب نیز با استقبال مقامات ارشد امور مهاجرت دولت اوباما همراه شد. با اضافه شدن نام «لیندا توماس گرینفیلد» ۳۱ ساله که تبعه‌ای آفریقایی-امریکایی است برای پست مهم نمایندگی ویژه امریکا در سازمان ملل تنوع جنسیت و نژادی کابینه جدید تا حدودی تکمیل شده است. این در حالی است که پیش‌تر نیز نام «آنتونی جی بلینکن» و «جیک سالیوان» به ترتیب برای تصدی پست وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی در فهرست پیشنهادی بایدن مطرح شده بود. اما به نوشته تحلیلگران «سی‌ان‌ان»، انتصاب «جان کری» وزیر خارجه اوباما به سمت نماینده امریکا در مسائل آب و هوایی یکی از شاخص‌ترین انتخاب‌های بایدن بود. از آنجا که این سمت نیازی به تأیید سنا ندارد، «بایدن» با وارد کردن «کری» به کابینه‌اش هم بر بازگشت به توافق آب و هوایی پاریس صحه گذاشت و هم این سیاستمدار کارکشته را به کمیسیون امنیت ملی خود اضافه کرد.

به نوشته «لس آنجلس تایمز»، کارشناسان بر این باورند فهرست نامزدهای منتخب «جو بایدن»، حاکی از ورود مجموعه ای از رهبران حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی به کاخ سفید است. کابینه ای که مهره های آن نه تنها شبیه دولت «ترامپ» به آسانی قابل جایگزینی نیستند بلکه کارشناسانی زبده و دارای سوابقی طولانی در حوزه خدمات عمومی هستند. به عبارت دیگر «بایدن» برای گردآوردن حلقه اولیه دولتش با شخصیت های معتبر و قابل اعتماد در برهه سخت جاری آمریکا، دست روی گزینه هایی از کابینه «باراک اوباما» گذاشته که در آن دوره بیشترین فعالیت ونتایج مثبت را گرفته اند. از سوی دیگر، نگاهی بر سوابق نامزدهای معرفی شده نشان می دهد «بایدن» با انتخاب این گزینه ها برخلاف آنچه «ترامپ» در طول این چهارسال بر سر امریکا آورد، علاوه بر اهداف بلندپروازانه، به بازگرداندن حس رقابت و پیشتازی در وزارتخانه و سازمان های کلیدی آمریکا می اندیشد.

یادداشت

امیرعلی ابوالفتح
کارشناس مسائل امریکا

انتظارات جهانی از دولت بایدن

جو بایدن، رئیس جمهوری منتخب امریکا، نخستین گروه از اعضای کابینه خود را معرفی کرد. در این فهرست، نام وزیر امور خارجه، وزیر امنیت داخلی، مشاور امنیت ملی، مدیر اطلاعات ملی، سفیر در سازمان ملل و فرستاده ویژه در امور تغییرات آب و هوایی اعلام شد.

درصورت تأیید نهایی از سوی سنا، آنتونی بلینکن به‌عنوان وزیر امور خارجه، آلخاندرو مایورکاس به‌عنوان وزیر امنیت داخلی، آوریل هینز به‌عنوان مدیر اطلاعات ملی و لیندا توماس گرینفیلد به‌عنوان سفیر امریکا در سازمان ملل منصوب می‌شوند. در حالی که دو سمت مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری و فرستاده ویژه در امور تغییرات آب و هوایی به ترتیب در اختیار جیک سالیوان و جان کری قرار گرفته است. اغلب این افراد در دولت پیشین امریکا به ریاست باراک اوباما و معاونت جو بایدن عهده دار سمت‌هایی مهمی بوده‌اند. کری برای چهار سال وزیر خارجه بود و بلینکن در سمت قائم مقام وی فعالیت می‌کرد. سالیوان نیز در زمان ریاست هیلاری کلینتون بر وزارت خارجه امریکا، دستیار ویژه و از نزدیک‌ترین یاران وی به شمار می‌آمد. از این‌رو قابل انتظار است که مسیر طی شده در دوران ریاست جمهوری اوباما از سوی اعضای کلیدی تیم سیاست خارجی و سیاست امنیتی بایدن در پیش گرفته شود.

در این میان، حضور سه چهره حامی توافق هسته‌ای با ایران در میان مقامات ارشد دولت بعدی امریکا، می‌تواند کمک کننده برای خروج از بن‌بست کنونی در مناسبات تهران و واشنگتن باشد. برجامی که ترامپ از آن خارج شد، محصول روزها و هفته‌ها مذاکرات فشرده میان تیم مذاکراتی ایران به ریاست محمد جواد ظریف و تیم مذاکراتی امریکا به ریاست جان کری بود. گرچه سمت کری در دولت بعدی، مربوط به مذاکرات آب و هوایی است، با این حال می‌توان انتظار داشت که دیدگاه‌های وی در خصوص برجام، از سوی معاون و دستیاران سابق وی یعنی آنتونی بلینکن و جیک سالیوان مدنظر قرار گیرد. سالیوان نیز نقش مهمی در شروع مسیری که در نهایت به توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ انجامید داشت. وی در مأموریتی پنهانی از سوی هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت امریکا راهی مسقط، پایتخت عمان شد تا با مقامات ایرانی دیدار نماید و همین دیدار نیز باب گفت‌وگو برای رسیدن به توافق برجام را حاصل کرد. در این میان، آنتونی بلینکن نقش پررنگ‌تری در رسیدن به تفاهم میان مقامات ایرانی و امریکایی بازی کرد، زمانی که توانست تماس تلفنی را میان حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران و باراک اوباما، همتای امریکایی وی در سفر رئیس جمهوری ایران به نیویورک برقرار سازد. با این تماس، روند مذاکرات میان ایران و گروه ۵+۱ سرعت گرفت و بسیاری از موانع پیش روی مذاکره کنندگان ایرانی و امریکایی برداشته شد.

اکنون بعد از چهار سال تنش‌آفرینی‌های بی‌سابقه ترامپ که با خروج امریکا از برجام شروع شد و با ترور سردار سلیمانی، فرمانده وقت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اوج رسید، قرار است گروهی در کاخ سفید عهده دار مسئولیت شوند که نگاه معتدلی حداقل در حوزه هسته‌ای به ایران دارند. با این حال، قضاوت در مورد مقامات بعدی امریکا براساس مواضع پیشین آنان، می‌تواند گمراه کننده باشد. گرچه جو بایدن و شخصیت‌های معرفی شده از سوی وی همگی با تصمیم دولت ترامپ برای خروج امریکا از برجام مخالفت کرده‌اند، با این حال دور از انتظار خواهد بود که دولت بعدی این کشور به شکل بی‌قید و شرط بار دیگر به توافق هسته‌ای با ایران برگردد. بایدن در مقاله‌ای که در تابستان گذشته در سایت سی‌ان‌ان منتشر کرد، روند بازگشت امریکا به برجام را مشخص کرد؛ اینکه تهران به تعهدات برجامی خود برگردد تا واشنگتن نیز بازگشت به برجام را در دستور کار قرار دهد. این درحالی است که اگر در نهایت دولت بایدن تحت فشار جریان‌های ایران ستیز داخلی و خارجی، از وعده‌های انتخاباتی خود مبنی بر بازگشت به برجام عدول نکند.

فارغ از موضوع ایران، تیم سیاست خارجی و سیاست امنیتی بایدن، در زمره حامیان جریان فکری بین‌الملل‌گرایی و چندجانبه‌گرایی قرار می‌گیرند که خواهان تقویت نهادهای بین‌المللی و مناسبات سنتی امریکا با متحدان این کشور در اقصی نقاط جهان هستند. با این حال، بازگشت به عصر بین‌الملل گرایی، بعد از چهار سال حاکمیت ملی گرایان افراطی به رهبری ترامپ بر دستگاه دیپلماسی امریکا، کار آسانی به نظر نمی‌رسد؛ ویژه اینکه میزان اعتماد عمومی به دولتمردان امریکایی هم در میان دوستان، هم میان رقبا و هم در میان دشمنان امریکا بشدت کاهش یافته است. از این جهت شاید بتوان گفت، اعتمادسازی، عمده‌ترین مسئولیت و در عین حال، عمده‌ترین چالش پیش روی تیم سیاست خارجی و سیاست امنیتی دولت جو بایدن به شمار می‌آید.

تعامل ضامن اقتدار ملی

■ ادامه از صفحه اول

شواهد بسیار بیانگر آن است که رهبری انقلاب در رویکردی کلان و در پی تحلیل شرایط تاریخی کشور در آن مقطع، مفاهیم وحدت و وفاق ملی را نیز همنشین واژه بسیج نمود و با فرهنگ‌سازی درصدد تحقق اتحاد ملی برآمد، زیرا در شرایط پرتلاطم ماه‌های پس از پیروزی انقلاب که تهدیدهای متعدد دستاوردهای آن را هدف قرار داده بود، تحکیم مؤلفه‌های وحدت ملی و فراگیر برای کشور ضرورتی حتمی می‌نمود. از این‌رو می‌توان ایده راه‌اندازی بسیج در آن وضعیت را حاصل کلان نگری و تسری آن در تأمین اقتدار و امنیت ملی دانست. این‌گونه بود که بسیج به‌دلیل کارویژه‌های مخصوص خود، بیش از هر نهاد دیگری موفق به مقابله با بحران‌های روز شده و در حوزه‌های اجتماعی نیز نقش آفرین شد. اگر وفاق ملی را ثمره بلافصل ارتقای سطح تعامل و توجه آحاد مردم به سرنوشت مشترک خود بدانیم، بسیج به‌دلیل خصایص و کارکردهایش بیش از هر نهاد دیگری می‌تواند دراین حوزه مؤثر بوده و اعمال اقتدار ملی در چارچوب جامعه سیاسی را تضمین نماید.

مؤلفه‌های وحدت و امنیت ملی که لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند، در تلازم با اهداف اولیه بسیج، محور برنامه‌های آن را شکل داده و اهمیت این دو مقوله را در ارتقا وتأمین شاخص‌های توسعه یافتگی بازتاباندند که گامی حیاتی درجهت تبیین هویت اصیل بسیج محسوب می‌شود. هم اتحاد ملی و هم امنیت ملی ازابعاد، مبانی و زمینه‌های حقوقی متنوعی برخوردارند که به اشکال مختلف در قانون اساسی کشور پیش‌بینی شده و مورد تأکید قرار گرفته است. هر یک از این دومقوله، دارای آثار و پیامدهای متقابل بر یکدیگرند و اتکا بر یکی از آنها بدون در نظر آوردن دیگری، جمع راهبردی «اتحاد ملی و امنیت ملی» را منتفی خواهد ساخت. برهمین اساس، مفهوم، مبانی و چارچوب تأثیر و تأثر مقولات وحدت ملی و امنیت ملی در پرتو ساختار وهنجارهای قانونی ارزیابی می‌شوند.

تأمل در عرصه‌های سیاسی مؤید آن است که برقراری نسبت میان وحدت ملی و امنیت ملی، در عین تلازم، مستلزم آن است که چارچوب‌های قانونی به‌عنوان گستره‌ای کلی ومدنی که به نوبه خود تعیین کننده نظم حقوقی نیز هست، تضمین شود و تردیدی نیست که وحدت و امنیت در یک پیوند ودرهم تنیدگی، همبستگی عمومی را از رهگذر ایجاد شرایط مطلوب ازجهت امنیت همه‌جانبه محقق می‌سازد.

ترسیم فضای سال‌های دفاع مقدس و نقش اسطوره‌ای چهره‌های بسیجی نشان می‌دهد که وحدت ملی در کنار اقتدارملی، جلوه‌ای از هویت بسیج درآن دوران بوده و حضور علایق و آرمان‌های متنوع به نمایندگی از لایه‌های درونی اجتماع برای این نهاد ظرفیتی ایجاد نمود تا همه گرایش‌ها کنارهم باشند. از این‌رو عالمان علم سیاست و جامعه شناسان، اقتدارجامعه ایرانی در دوران جنگ را مرهون نهادهایی می‌دانند که شیوه سلوکشان با یگانگی وهمدلی همراه بود که نهاد بسیج نیز از آن جمله است و با این سیره رفتاری در مقابل دشمن بعثی به صف آرایی پرداخته و از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع نمود. از این‌رو پذیرش دیدگاه‌ها وگرایش‌های متنوع حاضر در درون نظام درسازمان بسیج، در دهه ۶۰ نقطه عزیمت اقتدار و استقلال ملی برشمرده شده است. به‌همین دلیل ازهمان ابتدا، نهاد و نماد بسیج باحضور نمایندگانی از دیدگاه‌های متفاوت، اما پایبند به قانون اساسی و در تعاملی فعال با یکدیگر شکل گرفت و سازمان بسیج ضامن دوام آن گردید. به‌عبارت دیگر اقتدار و وحدت ملی، ریشه در ویژگی‌هایی دارد که نهاد بسیج به‌عنوان یکی از نهادهای تأسیسی بعد انقلاب، در مقطع جنگ نماد آن بود و به باور مدیران آن دوره و در رأس آنان امام خمینی(ره) در پرتو چنین شرایطی بود که مفهوم «ملت یک پارچه» عینیت یافته و میراث معنوی سازگاری آموزه‌ها و ارزش‌های جامعه متجلی شد.